

نگرش فلسفی - ۱۷

اثر

بیگو نانا جیو کو

ترجمہ

محسن اکبری

رویکرد شیونہا اور بہ شوق

کلاسکام
نشر نگاه معاصر

مضامین

- ۷ یادداشت مترجم
- ۸ سپاسگزاری مترجم
- ۹ آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸-۱۸۶۰)
- ۹ آثار
- ۱۱ مراجع منبع و سپاسگزاری ها
- ۱۳ متون بودایی و کوتاه‌نوشت‌هایشان
- ۱۴ رده‌بندی عددی متون شوپنهاور
- ۱۵ درآمد
- ۲۳ فصل ۱: رویکرد شوپنهاور به فلسفه هندی
- ۳۵ فصل ۲: [دیدگاه] شوپنهاور در باب آیین بودا
- ۵۵ فصل ۳: چهار حقیقت شریف
- ۵۵ از نخستین گفتمان بودا (Dhammacakkappavattana-Sutta)
- ۵۶ ۱. رنج
- ۶۱ ۲. علت رنج
- ۶۱ (الف) ماهیت معرفت (*avijjā*)
- (ب) زندگی به‌عنوان "خدمتگزاری جبری... به‌منظور پرداخت دین"، ارگاسترین
- ۶۲ (*kamma*)
- ۶۴ (پ) اراده به زیستن (*tanhā*)
- ۶۶ (ت) «سیلان بی‌انتهاء؛ ... ماهیت ذاتی اراده» (*anicca*)
- ۶۷ (ث) اصل تفرد (*anattā*)
- ۶۸ (ج) مرگ
- ۷۰ ۳. اختتام رنج

یادداشت مترجم

مترجم همواره بر آن بوده و هست که در آثار خویش شیوایی و شیدایی را تا حد توان با دقت و امانت بیامیزد و به گاه تعارض، دقت و امانت را ترجیح دهد. از این رو، کثرت واژگان درون قلاب به دلیل پرهیز از ترجمه آزاد، انعکاس خرده تفاوت‌های معنایی، افاده توضیحات افزوده و تطبیق با آیین نگارش پارسی است. در خصوص ترجمه پیش‌رو، تنها یک استثناء وجود دارد و آن تخطی از عنوانی است که نگارنده برای اثر خویش برگزیده است. بدین‌سان و به اکراه، عنوان کتاب از *Schopenhauer and Buddhism* به رویکرد شوپنهاور به شرق تغییر داده شد.

مترجم، مسئولیت صعوبت بخشی از این ترجمه را بر عهده می‌گیرد؛ بخش دیگر، بازتابی است از نگارش نگارنده‌ای که انگلیسی زبان بومی اش نیست. هر چند مترجم با معادل‌نهاد انگلیسی برخی از واژگان تخصصی شوپنهاور در زبان آلمانی توافق تام ندارد، اما این ترجمه را طبق متن انگلیسی به سامان رسانده است. پانوشتهای مترجم با کوتاه‌نوشت «(م)» مشخص شده‌اند. اسامی کامل شهرگان فکر و فرهنگ، همراه با تاریخ ولادت و وفاتشان را مترجم به پانوشته افزوده است. مترجم تنها دست منتقدانی را به گرمی خواهد فشرد که نقدشان تابعی از مقابله ترجمه و متن اصلی باشد.

محسن اکبری

مهر ۱۳۹۳

درآمد

«برای مدتی مدید، مشقات عبث و بی ثمری در فلسفه ترتیب داده شده است؛ زیرا آدمیان به جای آن که آن را بر طریقت هنر بجویند، بر طریقت علم جستند. از این رو، هیچ هنری به چنین ناشیگری فاحش نمی نازد که هنر فلسفه [بدان] می نازد. آدمیان کوشیدند تا به جای چستی، چربی را درنگرند. آن‌ها به جای اغتنام آنچه در هر جادم دست است، برای دوردست جهد کردند. آن‌ها به جای ورود به خودشان – جایی که [در آن،] هر معمایی می تواند حل شود – از همه سو برون رفتند... فیلسوف نباید

هرگز فراموش کند که دارد هنر می پرورد و نه علم.»^۱ F. M. [1814] p. 154, § 259

یک فیلسوف جامعه‌گرای فرانسوی در ۱۹۳۹ – هنگام دست‌اندازی آلمان به این نقطه حساس [واقع] بر سواحل شمال شرقی اروپا که در آن زمان توسط لهستان نگه داشته شد؛ [تجاوزی که] نشانگر یک جنگ جهانی جدید شد – بانگ برآورد: «آیا باید برای دانزیک^۲ بمیریم؟»^۳

آرتور شوپنهاور، فیلسوف اروپایی و آلمانی‌ای که از اواخر قرن نوزدهم به وسیع‌ترین نحو خوانده شد، به تاریخ ۱۷۸۸ در دانزیک زاده شد. دانزیک در آن زمان آزادشهری هنزی آتیک^۴ بود؛ اما در ۱۷۹۳ توسط دولت آلمانی ارتش‌سالار پروس^۵ تسخیر شد. پدر شوپنهاور [که] بازرگانی متمول [بود] با درنگری آزادی به

۱. بیان بودا (A. IV, 5, 5, facing text 5.10 below) مقایسه شود.

2. Danzig 3. Faut-il mourir pour Danzig?

۴. Hanseatic: عضو اتحادیه هانز (فدراسیون شهرهای شمالی آلمان و ممالک همسایه در قرون میانه) (م.)

5. Prussia

خواند و سپس به نحو معین، تحصیل فلسفه را در دانشگاه برلین^۱ آغاز کرد. او در ۱۸۱۳ پژوهش‌نامه‌اش [تحت عنوان] در باب ریشه چهارگانه اصل دلیل کافی را به دانشگاه ینا^۲ ارائه کرد که به خاطر آن دکترای فلسفه گرفت. تز شوپنهاور، بر یازینی سنجشگرانه نظریه مقولات در فلسفه کانت^۳ مبتنی می‌شد. مقولات دوازده‌گانه کانت (یا «مفاهیم ناب فاهمه») به تنها یک [مقوله] فروکاسته می‌شوند: علیت. شوپنهاور در [نوشتار] مبسوطش [تحت عنوان] سنجشگری فلسفه کانتی^۴ در انتهای جلد نخست جهان به مثابه اراده و باز نمود به این [نکته] اشاره می‌کند که انگاشت کانت از کل مسئله همچنان با شدت بسیار، مشخصاً متأثر از سنت اروپایی، ارسطویی و مدرسی^۵ باقی ماند و او ناتوان بود تا از ایده یک «علت اولی» در «زنجیره علل و معالیل» دست کشد؛ بلکه همچنان وسوسه می‌شد تا این ایده را در پیوند با ایده‌های خدا، جاودانگی نفس و آزادی اراده – به عنوان [امری] ضرورتاً فطری در همان ماهیت خرد آدمی – درنگرد. شوپنهاور برای دفع این خطا، در عمده اثرش (W. W. R.) از حجت تاریخی فلسفه‌های هندی – به ویژه [آن حجتی] که برای آیین بودا اساسی [است] (cf. text 0.13 and 5.10 below) – علیه کانت استفاده می‌کند. این حجت همچنان در پژوهش‌نامه [دکتری وی] مفقود بود، اما ایده مبنایی یک «طلوع به هم‌وابسته» پیش‌تر به وضوح با این واژگان بیان شده بود: «هیچ چیزی به خودی خود و مستقل وجود ندارد؛ هیچ چیز واحد و منفصلی.» از همان آغاز، این ایده به وسعت در فلسفه شوپنهاور [و] در همان سطرهایی تفصیل داده می‌شود که او در آن‌ها بالمآل آن [ایده] را صراحتاً با دیدگاه بودایی، همانند خواهد پنداشت.

شوپنهاور از ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۸ در درسدن^۶ زیست؛ جایی که او عمده اثرش، جهان به مثابه اراده و باز نمود را نوشت. تا آنجا که ایده‌های مبنایی آن [اثر] به موضوع مطالعه مقایسه‌ای ما راجع به شوپنهاور از دیدگاهی بودایی مربوط‌اند، آن [ایده‌های مبنایی] در فصل ذیل [که] در باب رویکرد شوپنهاور به فلسفه هندی

عنوان بهترین حافظ رونق [اقتصادی]، تصمیم گرفت کسب و کارش را به شهر همچنان مستقل [و] هنزی آتیک هامبورک^۱ منتقل کند. آرتور، در سن نه‌سالگی برای دو سال به فرانسه فرستاده شد. او آنجا در لوهاور^۲ نزد خانواده دوست تجاری پدرش ماند. پدر آرتور می‌خواست پسرش را برای کاردوره تجارت بین‌الملل تعلیم دهد. اما آرتور از کودکی، ترجیحی برای تحصیل آثار کلاسیک نشان داده بود. پدر آرتور برای جلب موافقت او به ادامه دادن کسب و کار خانوادگی، یکی از دو گزینه تدریب قانونی مدرسه در انسانیات^۳ یا سفری تفریحی به سراسر اروپا و انگلستان [همراه] با والدینش برای [مدت] چند سال را در سن پانزده‌سالگی [فرزندش] به وی پیش‌نهاد. آرتور نتوانست به چنین وسوسه‌ای تن ندهد. اما او هرگز برای آن تأسف نخورد؛ زیرا درنگریست که «دیدن و تجربه داشتن، درست همان قدر لازم بود که خواندن و تحصیل.» به منظور فراگیری انگلیسی، سفر مذکور اقامتی طولیل در ویمبلدن^۴ را شامل می‌شد.

اندکی بعد، در ۱۸۰۵، پدر آرتور در اوضاع [و احوالی] تراژیک مُرد و مادر آرتور – [که] نویسنده [داستان‌های] تخیلی و شیفته طریق سهل‌زیستی [بود] – به وایمار^۵ – [که] در آن هنگام کانون فرهنگی آلمان [بود] – نقل مکان کرد. آنجا، گوته^۶ در میان دیگر ناموران، دوست خانواده شوپنهاور شد. گوته به بهترین وجه قادر بود تا در منش [شخصیت] پسر، ذره‌ای نبوغ تشخیص دهد و پسر [نیز] از جانب خویش مرید مادام‌العمری رویکرد نافذ شاعر [گوته] به مسائل جدی وجود باقی ماند.

احترامی عمیق و نازدودنی به پدرش [و بی‌مهری‌هایی که از سوی مادر نسبت به پدر دیده بود]، شوپنهاور را از مادرش منزجر ساخت. وی در اشتیاق بازرستانی سال‌هایی که به جای [تحصیل در] دوره متوسطه قانونی در انسانیات از دست رفت، به یک دوره فشرده تحصیل مبادرت کرد و مافات را در دو سال جبران کرد. وی در سن بیست‌سالگی شایسته ورود به دانشگاه شد [و] برای دو سال نخست، پزشکی^۷

1. Berlin 2. Jena 3. Immanuel Kant (1724–1804)

4. *Criticism of the Kantian Philosophy* 5. Aristotle (384–322 BC)

6. Scholasticism: منسوب به Scholasticism (م).

7. Dresden

1. Hamburg 2. Le Havre

4. Wimbledon 5. Weimar

7. medicine

3. Humanities: معارف انسانی (م).

6. Johann Wolfgang Von Goethe (1749–1832)